



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تجدیدشناسی امام

مطلب

مجله علمی و فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه دل

نویسنده:

مصطفی رضایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | صحیفه دل |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | اشاره |
| ۱۸ | پناهگاه |
| ۳۱ | «زیبایی با تو بودن» |
| ۳۷ | «روز رهایی» |
| ۴۰ | درباره مرکز |

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی، مصطفی، ۱۳۷۱ -

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه دل / مصطفی رضایی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۴ ص.؛ ۱۹×۹/۵ س م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۳۰-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: قطعه های ادبی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ص ۳ / ۲۲۱۷ ص / ۸۳۴۵ PIR

رده بندی دیویی: ۸/۸۶۲۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۸۱۹۴۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

□ مؤلف: مصطفی رضایی

□ ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

□ ویراستار: سیده زیتون هاشمی

□ صفحه آرا: داوود هزاره

□ طراح جلد: امیر تدین

□ نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۳

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۳۰-۹

□ شمارگان: هزار نسخه

□ قیمت: ۸۰۰ تومان

□ تمامی حقوق © محفوظ است.

□ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ /
همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) /
فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

□ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵۱۵۶۵۵

□ www.mahdi۳۱۳.com

□ www.mahdaviat.ir

□ info@mahdaviat.ir

□ Entesharatbonyad@chmail.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

[دستانش را به آسمان گشوده بود. اشک از پهنای صورت نشان از سیرت و مسیر او می داد.]

سپاس خداوندی را که اول است بی آن که قبل از او اوّلی باشد و آخر است بدون این که پس از او آخری باشد. خلاق توان تأخیر انداختن در قضای او را ندارند و اگر او نخواهد چیزی را که تأخیر می اندازد، نمی توانند پیش ببرند.

سپاس پروردگاری را که شیوه سپاس گذاری را به ما الهام فرمود و با پروردگاری خود درهای رفتن را به روی ما گشود.

سپاسی که تاریکی های برزخ را بر ما روشن، مسیر رستخیز را برای ما هموار سازد و مایه شرافت جایگاه ما نزد گواهان آن روز شود؛ روزی که هر کس سزای عمل خویش را ببیند و به کسی ظلم نشود؛ روزی که دوستی نتواند عذابی را از دوستش دفع نماید.

خداوندا! تو را سپاس می گویم؛ سپاسی که روز خیرگی چشم ها مایه روشنی دیده ما باشد و در روزی که صورت ها سیاه شود، چهره هامان را سفید، موجب آزادی ما از آتش دردناک و رسیدن به جایگاه ابدی بشود.

اله من! تو را می ستایم؛ ستایشی برای همه نعمت هایی که به ما و بندگان پیشینت ارزانی کرده ای و بر تعداد آن ها فقط خودت آگاهی داری؛ ستایشی چند برابر نعمت ها، ابدی و دائمی تا روز قیامت که ما را در زمره دوستان نیک بخت قرار دهد و به جرگه کسانی که به دست دشمنانت شهید شده اند، پیوند دهد.

[این دستان کسی است که آسمانیان آرزوی یک لحظه در کنار او بودن را دارند.]

امت های پیشین در قرن های گذشته از وجود پیامبر بی بهره بودند.

بارالها! بر محمد امین، برگزیده ترین بندگانت، رهبر خیر و کلید برکت رحمت فرست؛ او که جان خود را تحت فرمان تو قرار داد و در راهت جسمش را به رنج و

سختی انداخت تا جایی که راهی دیار غربت شد، جایی که دور از اهل و عشیره و جدا از پایگاه، محل سکونت و ولادت و آرامگاه دلش بود و این همه، برای عزت و نصرت به دین تو و غلبه بر کافران بود.

بارخدایا! پس او را به خاطر رنج ها و مصائبی که در راه تو تحمل کرده به عالی ترین درجات بهشت برسان، آن گونه که هیچ کس به منزلت او نرسد و در هیچ مرتبه ای با او برابری نکند.

ای خدایی که وعده ات نافذ است، به هر چه می گویی وفا می کنی و گناهان را به چندین برابر به نیکی تبدیل می کنی...

[دست ها به حال دست ها و چشم ها به حال دیدگان او غبطه می خورند!]

بارخدایا! بر پیروان پیامبران و آن دسته از مردم روی زمین که ندیده پیامبر را تصدیق کردند، در حالی که دشمنان با تکذیب رسولانت با آن‌ها مبارزه کردند، درود فرست.

ای خدایی که شگفتی‌های عظمتت را پایانی نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از لغزش نگاه دار.

ای خدایی که دوران حکومت انتها و پایانی ندارد، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از بند عذاب خویش آزاد کن.

الهی هر که را تو یاری فرمایی، کسی یارای خوار کردنش را ندارد و هر که را تو هدایت کنی، به گمراهی دیگران از راه به در نمی‌شود؛ پس بر محمد و آل او درود فرست

و به عزت ما را از شرّ بندگانت محافظت و با بخشش ات از غیر خودت بی نیاز فرما و به ارشادت ما را در جاده حق رهسپار گردان.

[هر صبح و شب زمزمه اش چنین است:]

... خداوند برای هر شب و روز، حدّی مشخص در زمانی معین قرار داد. برای بندگانش شب را آفرید تا به دور از کارهای طاقت فرسا و تلاش های جان کاه، به آرامش برسند و در آن بیسایند.

برای آن ها روز را بینایی بخش آفرید تا در آن فضل او را بجویند و روزی کسب کنند؛ آزادانه در روی زمین به جستجوی سود دنیا و رسیدن به سعادت آخرتشان پردازند.

الهی! پس تو را سپاس که با شکافتن سیاهی شب، صبح دم را بر ما آشکار ساختی، با روشنایی صبح بهره مندمان کردی، جایگاه های کسب روزی را نشانمان دادی و ما را از رویدادهای ناگوار محفوظ داشتی.

بر محمد و آل او درود فرست و به عزت ما را از شرّ بندگان محافظت و با بخشش از غیر خودت بی نیاز فرما و به ارشادت ما را از جاّده حق رهسپار گردان.

الهی! همه در قبضه قدرت توایم و سلطنت و حکومت ما را فرا گرفته. امروز روزی دیگر و تازه فرا رسیده که بر اعمال ما شاهی؛ اگر نیکی کنیم، با ستایش و تشکر او روبه روییم و اگر بدی نماییم، با نکوهشی به خاطر اعمالمان.

الهی! بر محمد و آل او درود فرست و ما را در روز و شبمان و همه ایام عمرمان به کوشش برای نیکی و نکوهش باطل و خوار کردن آن و یاری حق، عزیز داشتن آن، راهنمایی راه گم کردگان، یاری ناتوانان و پناه دادن به ستم دیدگان، توفیق عنایت فرما.

بر محمد و آل او بهترین درود و بهترین بهره ای که تاکنون به کسی داده ای، عطا فرما.

پناهگاه

دربه دری، طوفان های سیاه پرتلاطم و آتشی که زبانه هایش هر چه را در خود فرو می برد. التماس پناهگاه و جایگاه امنی را داریم که بتوانیم درون آن آرام بیاساییم و از چنگال های خوناشام درندگان در امان باشیم.

او چنین می گوید:

ای خدایی که گره هر مشکلی به دست تو گشوده می شود. سختی های ناگوار به وجود تو آسان می گردد و راه رهایی از تو درخواست می شود.

خدایا! سختی ها به قدرت تو، کوچک به نظر می آید و لوازم کارها به لطف تو مهیا می شود. تویی که در مشکلات خوانده می شوی و در سختی ها به تو پناه می برند.

هیچ بلایی دفع نمی شود مگر آن که تو آن را برانی و هیچ دری گشوده نشود جز آن که تو بگشایی.

پروردگارم! بلایی بر من فرود آمده که سنگینی آن کمرم را در هم شکسته، سختی هایی به من رسیده که نمی شود تحمل کرد. دری را که تو بستی، کسی یارای گشودن آن را ندارد و آن را که باز گذاشتی، هیچ کس نمی تواند ببندد.

بر محمد و آل او درود فرست، در گشایش را به رحمت بر من بگشا و چیرگی سختی ها و ناراحتی ها را به حول و قوه خود بر من بشکن.

پروردگارا! شیرینی اجابتت را به من بچشان و برایم از جانب خودت راه رهایی سریعی قرار ده.

[او می بیند که وقت گام برداشتن به سوی این محیط امن چه زود می گذرد.]

بر تو پناه می بریم از بدی درون، خوار شمردن گناه کوچک و چیرگی شیطان بر ما، یا آن که زمانه ما را گرفتار سازد.

بر تو پناه می بریم از سرزنش دشمنان، زندگی در فشار و سختی، مرگ ناگهانی و بدون آمادگی، از بزرگ ترین حسرت (قیامت) و سخت ترین مصیبت و بدترین بدبختی و نافرجامی و محروم شدن از ثواب و گرفتار شدن در عذاب.

میل آن کاری را در وجودمان بیفزاید که تو را خوشنود سازد و عزم ما را از آنچه که تو را ناخشنود کند، زایل فرماید. نفس ما را به اختیار خود وامگذار، چرا که او اگر توفیق ندهی، باطل را برمیگزیند و اگر رحمان نکنی، به بدی فرمان می دهد.

از آبی بی ارزش آغازمان کرده ای، پس جز به قوت تو حرکتی نداریم و جز به یاری تو قدرتی نداریم. توفیق را رفیق راهمان ساز و ما را به راه راست هدایت فرما.

بر محمد و آل او درود فرست و راز دلمان، حرکت اعضایمان، نگاه چشمانمان و کلمات بر زبانمان را در مسیر ثواب و رضای خود قرار ده تا حسنه ای که پاداشت به آن تعلق می گیرد از دستمان نرود و گناهی که مستوجب عذابت باشد، برایمان باقی نماند.

(۱)

[دنبال پناهیم ولی نمی یابیمش. صدای دعوتش به گوش می رسد، اما جهت آن را نمی توانیم تشخیص دهیم. تنها این دستانِ به آسمان برافراشته است که کلید قفل هایمان

را دارد و مشکل هر کدام را بهتر از خودش می شناسد. درب خانه اش بر همگان گشوده شده و هر کس برای رهایی از زندان تاریک خود می تواند به نزدش بیاید. در قبال درمان و آزادی، توقّعی ندارد؛ نه پولی و نه خدمتی. به دنبال کسب شهرت و جذب به خود نیست. بر آستانِ او ملائکِ سرِ خدمت فرود می آورند و از خوان پربرکت او، به آسمانیان می خوراندند.

حتی توقّع سپاس هم ندارد. او طیب است، طیب دل و جان؛ درمان می کند و دل می سوزاند، برایمان می گیرد و از سختی هامان غمگین می شود.

پس از عمری دربه دری، شاید ضرری نداشته باشد به منزل او هم قدمی بگذاریم؛ منزلی که طیبیان این شهر از او نسخه

می گیرند و درد خود را با نگاه او به فراموشی می سپارند. چه ساعت ها که پای این و آن نشسته و به حرف هایشان گوش داده ایم. شایسته چنین نجات دهنده ای نیست که لحظاتی در گوشه ای از منزلش زانو زده و به کلام و ماتم نامه اش گوش سپاری؟!]

ای بی نیازترین بی نیازان! اکنون ما بندگان توایم به درگاهت و من فقیرترین مسکینی هستم که این جا آمده ام.

کمبودهای ما را به توانگری خویش جبران فرما و با منع عطای خویش نا امیدمان مساز که اگر چنین نمایی از درگاه تو به چه کسی روی آورم و به کدامین جهت روانه گردم؟

تو پاک و منزّهی. ما همان بیچارگانیم که پاسخ به درخواستشان را واجب کرده ای و

همان مصیبت زدگان و گرفتارانیم که گره گشایی از کارشان را وعده داده ای. پس رحمی بر زاری مان نما و ما را که اکنون خود را به آستانت افکنده ایم، بی نیاز گردان.

الهی! شیطان به خاطر پیروی ما از او، روز قیامت، نکوهش مان خواهد کرد و به ما کمکی نخواهد رساند. پس بر محمد و آل او درود فرست و شیطان را که به خاطر روی آوردن به سوی تو، ترکش می کنیم، اجازه نکوهش را به او مده.

[در ذهن و دلم چنین سؤالی است که چگونه کبوتری به سفره پربرکت او، از همه جا گرسنه و خسته باز هم به سوی او بازگشت؟ آن قدر رانده شدن از دیگران را دید، که تنها منزل ماندن را منزل او شناخت، لحظه ای از او دور نشد و نتوانست سختی فراقش را به جان بخرد، همه را از او خواست...]

ای که یاد تو مایه شرافت یادکنندگان و شکر تو رستگاری شکرگزاران و طاعت تو راه نجات بندگان! بر محمد و آل او درود فرست و تنها یاد خودت را در قلب هایمان قرار ده. اگر برایمان آسایشی مقدر فرموده ای، آن آسایش را با سلامتی مقرون فرما که در آن نه گناهی دامن گیرمان شود و نه ملالی به ما رسد تا نویسندگان گناهان، با دفتری خالی از یاد گناهان ما بازگردند و نویسندگان نیکی ها و ثواب ها، خوشحال از حسناتی که از ما نوشته اند برگردند؛ آن هنگام که مدّت زندگی مان پایان یافت و رشته حیاتمان قطع شد و زمان دعوت که چاره ای از آن نیست، فرا رسید.

بر محمد و آل او درود فرست و پایان آنچه را که نویسندگان اعمال ما رقم زده اند، توبه ای پذیرفته شده قرار ده. ما را بعد از

آن، بر گناهی که مرتکب شدیم یا معصیتی که انجام دادیم، بازخواست مکن و پرده ای را که خود بر اعمالمان کشیده ای، در حضور همگان کنار مزن. تو نسبت به آن که تو را می خواند، مهربانی و هر کس تو را بخواند، پاسخ گویی.

(۲)

[شبِ تارِ ما پایانی ندارد. چه با شبِ عادت کرده ایم و گویا در کوچه های ذهنمان از روشنایی و نور خبری نیست. وقت آن فرا رسیده به دور و بر خود نگاه کنیم؛ نگاهی که هر کس با نظر به خودش می سازد. صاحب منزل که سیاهی در او معنی ندارد، اعتراف هایش به یک معناست و ما که در تاریکی ها دست و پا می زنیم به معنایی دیگر.]

الهی! سه خصلت است که نمی گذارد از درگاهت چیزی بخواهیم و تنها یک خصلت ترغیب می کند:

فرمانی که داده ای و من در انجامش درنگ کرده ام؛ کاری که مرا از آن نهی فرمودی، ولی بدان شتافته ام و نعمتی که عطا فرموده ای، ولی من در شکرگزاری اش کوتاهی نموده ام.

آنچه مرا به سویت می خواند، تفضّل و مهربانی تو به کسی است که به آستانت روی آورده و چشم امید به تو بسته است. همه لطف و احسانت از روی تفضّل و همه نعمت هایت بدون استحقاقی از جانب ماست.

اکنون ای خدای من! این منم که چون اسیری پی منزلت، به درگاه عزت تو ایستاده ام در نهایت شرم و حیا چون

مسکینی، دست‌گدایی به سویت دراز کرده‌ام. اقرار می‌کنم که در برابر احسانت بر من، جز خودداری از معصیت، کاری نکرده‌ام و هیچ‌گاه از لطف و نعمت‌هایت بی‌بهره نبوده‌ام.

الهی! این اقرار و اعترافم نزد تو، پس از این همه اعمال ناپسند چه سودی برایم دارد؟ آیا با وجود این همه اعمال زشتی که مرتکب شده‌ام، اعتراف آن‌ها مرا نجات خواهد داد یا اینکه تو با این شرایطم، خشم و عذابت را بر من واجب کرده‌ای؟

پاک و منزهی، ولی من از تو ناامید نمی‌شوم، زیرا تو در توبه را به روی من گشوده‌ای. من چون بنده‌ای ذلیل سخن می‌گویم که بر خود ستم کرده و حرمت پروردگار خویش را شکسته؛ کسی که

گناهانش بزرگ و فراوان شده و روزگار عمرش سپری گشته و هنگامی که دید، زمان عمل گذشته و به پایان عمرش رسیده است و مطمئن شد که نه راه فراری دارد و نه گریزگاهی، با ناله و زاری به دیدارت آمد و خالصانه به آستان توبه کرد.

[چه کلام پرسوزی!]

پس با دلی پاک در برابرت ایستاده و با ناله ای حزین و آهسته تو را می خواند؛ در حالی که از شرم سر به زیر افکنده و پشتش خم گردیده است، از ترس پاهایش می لرزد و قطرات اشک بر گونه هایش جاری است، این گونه تو را می خواند:

ای مهربان ترین مهربانان! ای مهربان ترین کسی که به او روی می کنند! ای پرعطوفت ترین کسی که آمرزش خواهان، گرد او جمع می شوند! ای خدایی که با

کمترین کار نیکی از بندگانت خشنود می شوی و برای کار نیک کوچک، پاداشی بزرگ می دهی!

محبوب ترین بندگانت نزد تو، آن بنده ای است که طغیان و گردن فزازی را کنار گذاشته و از اصرار بر گناه دست بردارد.

الهی! جز تو به کسی نیازی ندارم. بر محمد و آل او درود فرست و مرا از ترسی که در جانم افتاده ایمنم بدار تو بر هر کار توانایی و همه امور بر تو سهل و آسان است.

«زیبایی با تو بودن»

تو را سپاس، به خاطر سلامتی و عافیتی که همواره از آن برخوردار بوده ام و تو را سپاس برای هر بیماری که در بدنم پدید آورده ای.

الهی! من نمی دانم که کدام یک از این دو حال برای سپاسگزاری شایسته تر است و در کدام یک از این دو، زمان حمد تو سزاوارتر است؛ آیا زمان سلامتی که روزی های پاکت را گوارایم ساختی و مرا برای کسب رضایت و فضلت پرنشاط ساختی، بر اطاعتت توفیق می دادی و قوت بخشیدی؟

یا زمان بیماری و ناراحتی که مرا با آن می آزمایی و این نعمت ها (دردها و رنج ها) را به من هدیه داده ای؟ تا سبب کاستن بار سنگین گناه از دوشم گردی، از گناهایی که

در آن غرق شدم پاکیزه گردانی، برای توبه و بازگشت فرصتم بدهی و یاد نعمت همیشگی ات را موجب محو گناهانم قرار دهی.

از دیگر هدایایت در زمان بیماری ام، آن است که فرشتگان نویسنده، اعمالی پسندیده برایم درج کنند که نه قلبم به آن خطور کرده نه به زبانم آمده و هیچ یک از اندامم در انجامش نکوشیده، بلکه همه این ها از فضل و احسان تو بر بنده و مخلوق توست.

(۱)

الهی! بر محمد و آل او درود فرست و آنچه را به آن راضی هستی در دلم محبوب گردان و آنچه از سختی ها و گرفتاری ها که مقدر فرمودی بر من آسان نما و از گناهان گذشته ام پاکیزه گردان.

[هرگاه از شیطان و دشمنه پرکینه او یاد می شد، این گونه اظهار درماندگی و پناهندگی می نمود:]

از وسوسه های شیطانِ رانده شده، از حيله و فریب هایش، از تکیه به آرزوها و فریب کاری و دام های او، به تو پناه می بریم. به تو پناه می بریم از آنکه او به گمراه کردن ما از اطاعتت طمع ورزد و یا بخواهد ما را با نافرمانی تو، خوار سازد.

الهی! هیچ محل ورودی در دل هایمان برایش قرار مده و در زندگی مان هیچ جایگاهی برایش مهیا مساز.

[و زمان رهایی از خطر و زیبایی با او بودن را این چنین ابراز می کرد:]

تو را سپاس، که سرنوشتی خوش برایم رقم زدی و بلاهایی را از من دفع کردی.

[او چه زیبا طلب می کند، هر آنچه را می خواهد و سفره ای از هر چه به قلب خطور کند، چرا که می داند جز او جیره خواران او هستند، او از دست محبوب می گیرد و ما از دستان پرنور او.]

الهی! ما را بارانی عنایت فرما که از بالای تپه ها فرو ریزد و چاه ها را پر گرداند، چشمه ها را بجوشاند و درختان را برویاند، سبب پایین آمدن قیمت ها در همه شهرها شود و با آن چهارپایان را نیرو بخشی و خلایق را خوشحال گردانی.

الهی! سایه آن ابر را بر ما باد گرم و زهر آگین و سردی اش را بر ما شوم و نفرین شده مگردان و بارش آن را بر ما بارش عذاب قرار مده و آب آن را در کام ما شور و تلخ منما.

[خدای خود را شکر و برای پدر و مادر دعا می کنند.]

به من عنایتی در خور، شفافبخش، عالی و رو به افزایش عطا فرما؛ عافیتی که برایم عافیت در دنیا و آخرت، تندرستی و امنیت، سلامتی در دین و بدن، بصیرت در قلب و پیشرفت در انجام کارهایم باشد.

بر محمد و آل او درود فرست. حقوق واجب پدر و مادرم را که بر عهده من است به من الهام فرما و تمام معرفت خدمتگزاری به آنان را به من عطا کن.

الهی! چنان کن تا همچو مادری مهربان به آن دو نیکی کنم. طاعتت و نیکی به پدر و مادرم را از به خواب رفتن خواب آلودگان و نوشیدن آب خنک برای تشنه کامان، لذت بخش تر قرار ده تا خواسته ایشان را بر میل خود و خشنودی شان را بر رضایت خود مقدم بدارم.

[گوشه منزل او، گوش به کلام و نجوای او هستم. از آمدنم پشیمان نیستم. به راستی او همان امام مظلومی است که فقط او را به عبادت های ظاهری شناختند، اما زینت امروز دل او، دعا های امام شد، دعاهایی که برخاسته از چشمه زلال و از صحیفه دل او بود و سال ها بعد صحیفه ای است سجادیّه برای شیعیان او، که نبودند و نتوانستند در این زمان به منزل او بیایند و به صوت دل آرام او گوش سپارند. امام قبل از رفتن، زمزمه هایی را شروع نموده که بویی دیگر دارد و رایحه ای از نسیمی دوردست را به همراه خود می آورد. باد دامن کشان عطر آن را در همه جا پیچانده و از غم انتظار ماندنی نمی رود. برای امامی دعا می کند که سال ها بعد از او، در غربتی خواهد بود که مانند آن، روزها ندیده و گوش ها نشنیده است!]

«روز رهایی»

الهی! همیشه دینت را با امامی که او را چون پرچم هدایتی برای بندگانت برافراشته ای، یاری کردی و او را همچو چراغی در شهرها برای راهنمایی قرار دادی. پس از آنکه ریسمانش را به خود متصل کردی و او را وسیله رسیدن به خشنودیت قرار دادی و اطاعتش را واجب و نافرمانی اش را ممنوع ساختی، فرمان دادی که از اوامر و بازداشتن هایش پیروی شود تا هیچ کس در انجام کاری بر آن ها مقدم نشود یا کسی از آن ها عقب نماند که اوست پناهگاه پناهندگان، سرپناه مؤمنان و ریسمان محکمی برای چنگ زندگان و اوست که زیبایی جهان است.

الهی! شکر نعمتی را که به ولایت داده ای به او الهام کن، ما را توفیق شکر وجود او، عطا بفرما، به ولایت قدرتی بده که با آن به آسانی به پیروزی رسد و او را با قدرت شکست ناپذیر خود یاری فرما و تحت نظر خود مراقبش باش که به او گزندی نرسد. او را به لطف حفظ و با فرشتگان یاری اش فرما و با سپاه همیشه پیروزت کمکش کن. به وسیله او آنچه از آموزه های دینت را که ستمگران میرانده اند، زنده فرما، به وجود او زنگار ستم ستم گران را از دینت بزدا و به برکت او، آن ها را که از مسیر منحرف می کنند، نابود فرما.

الهی! مهربانی و رحمت و عطفش را نصیبمان گردان، ما را مطیع او قرار ده تا در راهی که او خشنود می شود گام برداریم و به یاری و دفاع از او بشتابیم و این کار موجب نزدیکی ما به تو و پیامبرت گردد.

الهی! بر دوستان او که منتظر حکومتش و چشم به راه اویند، درودی بفرست که پر از برکت و پاکیزه و فزاینده، صبح و شام به آن‌ها برسد. بر آن‌ها و روحشان سلام فرست و کارهایشان را اصلاح کن...

[این‌ها، گوشه‌ای از زمزمه‌هایی بود که در منزل یار شنیده شد؛ منزلی که خانه رجوع، رحمت و نعمت الهی است؛ منزلی که راه زیبا زندگی کردن، نشان تنها پناهگاه امن و آرامش و آدرس روز رهایی را بی هیچ مزد و توقعی در دست‌انمان می‌گذارد. آن‌ها وجود پر نور خود را وقف کرده‌اند برای روزی که دوازدهمین آن‌ها بیاید و زمینی را از بی رونقی، تاریکی، ظلم و فساد برهاند، ببرد به آن سو، که همگان در آرزوی اویند؛ پس خدا کند که بیاید...]

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

